

آهنگ سید

شماره اول

سال نهم



آهنگ بدیع

مخصوص جوانان بهائی است

هرماه شمسی يك شماره منتشر میشود

وجه اشتراك سالیانه ۱۲۰ ریال

شماره اول شم‌الیه‌ها ۱۳۳ فروردین ۱۳۳۳ سال نهم شماره مسلسل ۱۴۳

فهرست مندرجات :

۲	صفحه	۱ - لوح مبارک حضرت عبدالیه‌ها جل ثنائه
۳	=	۲ - نهمین سال انتشار آهنگ بدیع
۴	=	۳ - طبرد روحانی
۶	=	۴ - سال نو یا نقشه نو برای ایجاد جهانی نو
۷	=	۵ - اهمیت تشویق
۸	=	۶ - شعر (من بار پارین نیستم)
۹	=	۷ - لزوم فرا گرفتن معلومات امریه
۱۲	=	۸ - بسزم خاموشان
۱۶	=	۹ - جهاد روحانی جهانی
۱۸	=	۱۰ - آهنگ بدیع و خوانندگان

شرح عکسها :

- روی جلد : جشن جوانان بهائی طهران سنه ۱۱۰ بدیع
- پشت جلد : جشن جوانان بهائی شیراز سنه ۱۱۱ بدیع
- عکسهای متن : ۱ - جشن جوانان بابا سلمان سنه ۱۱۱ بدیع
- ۲ - جشن جوانان بهائی خسوی سنه ۱۱۱ بدیع

هو الله

ای دوستان حقیقی عبدالبها * آهنگ ملکوت ابهی بمسامع
روحانیان در صوامع شرق و غرب رسیده و چنان هلهله و لیلوله
انداخته که ذرات کائنات فی الحقیقه بحرکت آمده جهان
جهان دیگرگشته و عالم ناسوتی مرات عالم لاهوت نده و اسرار
ملکوت ظاهر و آشکار گردیده و منحه کائنات لسوع محفوظ
شده و ورق منشور گردیده و اسرار هر روز و حقایق اشیا * متابعاً و متوالیاً
در ظهر و بروز است و نغمه عبدالبها * جانسوز و آتش افروز عنقریب
فصل ربیع آثار بدیع بنماید و نذر بیکه بید جمال مبارک در کشتزار
امکان افشانده گشته بروید صحرای وجود سبز و خرم گردد و گل و شکوفه
حقایق و معانی بشکفتد و شام اهل خایر و دماغ اهل باختر اکبر
معطر و معبر گردد . ان هذا هو الفضل البین وان هذا هو
القوز العظیم .

نهمین سال انتشار آهنگ بدیع

سالی دیگر گذشت و هرقی بر اوراق تاریخ عمر این نشریه افزوده گشت . هشت سال تمام را پشت سر گذاشتیم و با امید فراوان نهمین سال انتشار آهنگ بدیع را اکنون آغاز کرده ایم .

در این هشت سال خوانندگان و دوستانی از اطراف و اکناف ایران داشتیم که با علاقه فراوان ناظر پیشرفت کارهای ما بودند و از هیچ نوع کمک و مساعدتی دریغ نداشتند و اکنون وظیفه ماست که از آنان سپاسگذاری کنیم زیرا اگر لطف پید ریشمان نبود شاید امروز از آهنگ بدیع جز نامی باقی نمی ماند .

* * *

در سال گذشته از شماره های مخصوص کفرانسهایی چها گانه بین القارات و مقام مقدس بهی الانوار اعلی استقبال شایانی شد و تشویقهای گرم و عظیمانه ای که بعمل آمد تاثیر شدید در روح یکایک ما نمود امید داریم که در سال جدید نیز از این الطاف و مراحم بی نصیب نمانیم زیرا علاقه قسه بی شائبه دوستان و محبتهای بی پیرایه آنان سبب افزایش رونق و جلوه این نشریه جوان خواهد شد .

سعی فراوان مبذول شده و میشود که این نشریه کسه مخصوص جامعه جوان بهائی ایران است بصورتی دلپذیر و حاوی مطالب سودمند بدست خوانندگان ارجمند رسد ولی تصور نرود که آهنگ بدیع باین درجه از پیشرفت قناعت میکند آمال و آرزوهای ما خیلی بالاتر از اینهاست ولی افسوس که وسائل موجوده ما کافسی برای تحقق این منظور نیست ما میخواهیم آهنگ بدیع این نشریه ای که مال شما و برای شماست - بهترین صورت ممکنه منتشر شود ما چه میتوان کرد ؟

از درگاه الهی رجاء داریم که این نشریه جوان در بسندم راه کمال بوید و یاران مهربان را در انجام خدمات امریه و فسر گرفتن معلومات روحانیه را تبری نیکو شود .

حال تاجه حد در این سبیل جلیل توفیق رفیق شود خدا داناست .

* * *

با آغاز نقشه عظیم جهاد روحانی کبیرا کبر ده ساله وظائف بسیار خطیر و سنگینی بر عهد و جامعه امر در اطراف و اکناف جهان محول است باید فارسان ضمار الهی و باسلان میدان رحمانی بنغماتی آسمانی ندای دوست حقیقی را بسمع در و نزدیک رسانند و صلا ی یا طوبی و یا بشری بمسامع جهانیان برسانند و بفتح روحانی اقلیم ببرد ازند تاجهان خاک جلوه گاه عالم تابناک گردد روح جدید در کالبد جهانیان دمیده شود .

شک نیست که در اجرای این نقشه عظیم الهی سهم ایران بزرگترین جامعه بهائی دنیا است رسنگینتر خواهد بود مهد امثال که بخون شهدای پاک جان امرجانان رنگین و بیان است باید در ربودن گوی سبقت و افتخار سر همگان پیشی گیرد و در اجرای این نقشه بزرگ و تاریخی قدمهای موثری بردارد والا از انتساب اسبی چه فایده و از لفظ بهائی چه ثمر .

دوستان عزیز . نقشه ای داریم صریح و دقیق و فرعی اندک و قلیل - اگر امروز را بیستالت بگذرانیم فردا از عهد و جبران برنمائیم - هر روزی را برای کاری ساخته اند و از انسان در هر زمان وظیفه ای خواسته اند اگر وظیفه امروز را بفرود اموکول سازیم وظیفه مخصوص فردا را در چه زمان انجام خواهیم داد . بیائید برای "امروز" زنده باشیم برای امروز کار کنیم و نقشه خاص "امروز" را اجرا نمائیم تا شایسته انتساب بیک جامعه مشرق جهانی باشیم .

یاران گرامی دنیا را ناظر فعالیت و اقدام ماست جهان محتضر در التهاب است که ما از مرگ حتی رهائش بخشیم اگر پاسخ مساعد باین نداند هم نزد خدا او وجود آن نرسار خواهیم بود و آیندگان از ما بکنیکی یاد نخواهند نمود

هنگام بهار که باغ از شکوفه بیار است اگر گلی بریزد و --
شاخی بشکند غمگین میشوم که افسوس افسوس بر نیارده
بهدر رفت و معنی نداده بی اثر ماند . وای از آنوقت
که در این بهار روحانی از شجره طیبه الهیه غصنی بشکند
و "حطب اکبر" گردد گلی بیفسرد و رنگ و بوی قدیمش
هم از نظر رود اهل حقیقت را این محرومی همگان
چنان گران میآید که اگر خون از دیده بیارند جیسرن
غم پنهان نشان رانکند . و امروز در سراسر عالم بهائوسی
معدودی بسیار قلیل هستند که خود را از ظل معدود مینا
بیرون کشیدند و اگر هم با اهل نفاق نبیوستند از اصحاب
شفاق محسوب گشتند لهذا از جامعه بهائی منفصل و
مطرود شدند .

در این معامله گاهی از آشنایان بهائیان یا خویشان
غیر مومن ایشان سخنانی شنیده میشود سرا سر بریشان
و مراد بداندیشان .

مثلا میگویند چگونه دیانتی که مقصد اعلاش ایجاب

وحدت و بیگانگی بین بشر است اینچنین پیوند خویشی
را میگذرد و برادر را با برادر بیگانه میسازد! و یا میگویند
فلان کس که در نظر شما مطرود است بسیار صاحب
فضیلت است و بر فلان که بهائی است از جهت امانت

با آنچه مذکور شد وظیفه آهنگ بدیع در این سال جدید
واضح و عیان است آهنگ بدیع مترصد است که به همه
نویسندگان عزیز بهائی افراد جامعه بخصوص جوانان را
با اهمیت دورانی که در پیش دارند آشنا سازد تا یاران
مهربان در فرصت کوتاهی که در پیش دارند در سبیل اجرا

این مهم قدمهای موثری بردارند شاید بعون الله تعالی
بشارت خوش قیام اجابایی رسد و مولای محبوب را که
بکمال اشتیاق ناظر فعالیتهای ماست خورشید و خورشید
سازد و راستی چه مزد های اعظم از رضای اوست . "تا چه
کند خدمت والای دوست" (آهنگ بدیع)

هوشمند فتح اعظم

و صداقت مزیت دارد نظیر این سفسطه همیشه از سوهنیت
نیست بیشتر از روی غفلت است و اگر چه توضیح واضح است
است شاید بحث در آن خالی از فایده نباشد .

اهل انصاف را تردیدی نیست که بهائیان مدت یک
قرن است که خیرخواهی و محبت حقیقی خود را بعالم
انسانی ظاهر ساخته اند و در سبیل صلح و آشتی
بتوفیقاتی عظیم رسیده اند بعدی که در آن ایام که
اهل ادیان مختلف بخون هم تشنه بودند چون از این
چشمه محبت نوشیدند از کینه دیرینه دست کشیدند
و بهم پیوستند و امروز که اجناس و ملل عالم شمشیر بر سر هم
آخته اند تنها بهائیانند که واقعا خود را اهل یک
وطن میدانند و بجان میکوشند تا هموعان غافل خود را
نیز بیدار کنند و یاریک دار و یاریک شاخسار سازند.

حال باید دید این جامعه عمومی بهائی مرکب از کسی
نژاد و منتشر درد و بیست مملکت که بیگانه نمیشناسد و --

بهائی و غیر بهائی رایگان و برابر میشارد از چه
سبب از معدودی انگشت شمار بریده و ایشان را بخیا

خود واگذاشته است؟ جواب این سؤال در لطیفه میثاق
مکنون است .

قبلا باید گفت آنچه برای یک بهائی اهمیت دارد بقا و
دوام و ترقی و تقدم امر اعظم است و پس زیر یک بهائوسی

می بیند اگر این امر مبارک انکار گردد در نظری هیچ
امری دیگر اثبات نتواند شد ملاحظه میکنید که اگر از امر الله

عرفت نظر شود دیگر حیات کوتاه او را نه بقائی میماند
و نه لذتی نه فایدتی و نه غایتی او نیز در پاس و حرمان

سایر افراد انسان شریک میگردد عمری را بهذیان --
میگذرانند و در عین خسران جان میسپارد .

از نظر اجتماعی نیز ملاحظه میکنید که هر چه و مرج عالم
کنونی که بشهادت معاصرین از اهل عالم و فلسفه ناشی

از بیدینی است عقرب منجر بزوال واضح حلال تمدن

مادی کنونی میگردد و اگر تعالیم جامع الاطراف بهائی که روح این عصر است نباشد امیدی دیگر مد نیت آیند عالم نتوان داشت .

اهمیت این نکات بوده است که هزاران شهید را بآن انجذاب و اشتعال بترك جان و مال واداشته است زیرا در نظر بهائی چون پای ایمان بمیان میآید ترك جان هم آسان است تا چه رسد به خاندان . حال چنین امراء عظمی که در نزد بهائی گذشته از تقدس و روحانیت لزوم ذاتی حیات است باقی نمیماند مگر در سایه عهد و میثاق .

امری است مسلم و مشهود که اگر میثاق غلیظ الهی نبود اگر مرجع روحانی اهل بهابآن صراحت و وضوح معین نمیشد امروز نشانی از این امر بمین نمیماند مگر در کتب تاریخ - فورا بعد از غروب شمس بابی در عالم ادنی و س از طبرستان مرکز میثاق بعالم بقا امرالله ملعبه طالبان ریاست و ارباب ریاست میگشت و جمیع زحمات گذشته بهسدر میرفت و معاذ الله حبس و شهادت حضرت اعلی و مسجونیت حضرت بهاء الله و مظلومیت حضرت عبدالبها و شهادت -

هزاران نفس مبارک بکلی امری باطل و بی نتیجه میماند . بوقایع بعد از صعود حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبها نظر فرمائید طوفانهای شدیدی را که بر امرالله وارد گشته بخاطر آوری و انصاف دهید که این کشتی نجات از آن ورطه ها چگونه بیرون میآید اگر خدا ناخدائی برای ما نمیگذاشت این تشکیلات متین چگونه استوار میشد ؟

کنفرا نسهای اربعه از کجا بظهوری پیوست ؟ این نقشه های متنوع بدیعه را چه کسی تدارک میکرد ؟ ایمن نهضتها و حرکتهایسی که بتوجه حضرت ولی امرالله هر روز در هیكل جامعه پدید میآید و ولوله در شرق و غرب میاندازد از چه مرمضا هر میشد ؟ اینست که مایقین بمین داریم که اگر جان مسیحائی میثاق نبود امروز ما مرد و صد ساله بودیم و حمدالمن عان هیكل امره بدرح المیثاق از این جهت است که در نظر اهل بهاء هر گاه ای راجبنا

توان کرد مگر آنرا که سبب تضعیف قوه میثاق گردد . زیرا خواننده ایم که " حصن متین امرالله باطاعت من هو ولی امرالله محفوظ و مصون ماند " و س اگر این بنیان رصین منزلزل گردد در بند نقش ایوان از چه باید بود . بلی اگر کسی بنام بهائی مشهور باشد و مثلا در امانت و صداقت و وقت و عصمت مسامحه نماید بسیار برای امرالله مضراست اما ضررش موقت است محدود است جبران پذیر است اما اگر کسی امین و صدیق و سلیم و خلیق باشد ولی کاری کند که ریشه شجره الهیه را ضعیف نماید یعنی اصل میثاق راست کند گناهی غیر مغفور مرتکب شده است و اغماض سبب بیز مردن جمیع گل و برگ و بار و شکوفه میگردد و در چنین حالی جز را فدای کل کردن شرط عقل و حکمت و از مقتضای رحم و شفقت است .

پس مثلا امریکارفتن یا نرفتن فی حد ذاته اهمیتی ندارد اما آنچه مهم است اطاعت از مرکز میثاق - از آن صلاح قدسی است که باید کشتی نجات ما را از هزار گرداب بلا برهاند و ساحل سعادت کبری برساند .

طرد روحانی در امر بهائی و این مآل پر ملال شما مل حال نفوس است که از اهمیت عهد و میثاق الهی غفلت میکنند و غفلت از این موهبت نتیجه اش قطع شریان حیات جامعه است از این روی غفران و اغماض در مورد ایشان جایز نیست و اینست که جامعه بهائی چنین اشخاص را در هر مرتبه و مقام و دارای هر کمال و فضیلتی که باشند از خود میراند و بحال ایشان میگرد که چنان خود را محرم کرده اند .

معامله بهائی با این بیچارگان دشمنی و کینه ورزی و بدخواهی نیست فقط ترك مراد است و اجتناب از ایشان حکایت اجتناب از مجذوم است زیرا فی الواقع بفرموده حضرت عبدالبها مرضی نفس چون جذام است اگر زود تدبیری در رفع آن اتخاذ نشود متدرجا به هیكل معطر جامعه تاثیر میکند و آنرا منفور و کریه و معیوب میگرداند و برای حفظ جامعه است که مبتلای بجدام را از خود میرانند



بابت سرگذشتن عید فیروز نوروز و فرارسیدن عید سعید رضوان يك سال از عمر ما گذشت در این یکسال هر چه کرده ایم از گذشته ما محسوب است و باید از گذشته ها در گذریم و آینده خطیریکه در پیش داریم بنگریم نگران حوادث و انقلابات آینده و منتظر تحقق وعود حتمیه الهیه باشیم وودیکه در نقشه نوین دهها ما بشرط اقدام فوری و قیام عاشقانه پیش بینی گردید است آن وودیکه منتهی به وادی ایمن صلح و صلاح و جایگزین شدن امر مقدس رحمن در عالم امکان میگردد در این نقشه نوین ما که با اعلام جهاد کبیر اکبر روحانی بنام جمال اقدس الهی و مخاطب مسز برافراشتن علم (یا بها' الاهی) در سراسر عالم شروع میگردد ما باید

ملهم بوصایای جمال مبارک و قائم بدستورات مرکز عهد و میثاق و مطیع بفرامین مقدسه یگانه سالار جند بهامولای بی همتا حضرت ولی امر الله روحی لعنایة الفدا باشیم و از مبادی سامیه دریه الهیه که در نظم جهان آرای بدیع تبیین و تشریح شده است

 شاید این مجدم عزیزان ما باشد شاید جزوه انله ما باشد اما چاره چیست مجدم است بحالش گرفته میکنیم درباره اش دعایمانم شفا یش را در آه سحر وورد نیمه شبی طلبیم اما از او اجتناب میکنیم که مجدم است . وظیفه بهائی در جمیع موارد در آیات الهیه مصرح و معین است .

اهل بها لسان بسب و لعن احدی نمیکنایند چه که نهی عظیم است اهل بها اجر احدی راضیع نمیکنند و حسنات هیچ کس را انکار نمیکنایند فقط و فقط در قبال این جذالها در قبال غفلت معدودی از اقران بتضرع و زاری دعا و مناجات میکنند تا انشاء الله خود ایشان و اقلان هردو بحسن خاتمه موفق گردند که حسن خاتمه مجهول است . مجهول است

سر ویزه ایزدی

ذره ای تغافل نورزیم . وظیفه مقدس ما در برابر نیای - متشنج و متزلزل که نهر گوشه آن فریاد خود پسندی - و بیگانگی بلند است بسی مشکل و هدف ما برای ایجاد يك جهان نو خطیر و عظیم است که حضرت ولی امر الله روحی لقدرت الفدا میفرمایند " . . . اهدافش که در پیام عمومی اینعبید از قبیل تصریح و تعیین گشته بسی خطیر و عظیم و جلیل است " و نیز میفرمایند " ای یاران - عزیزتر از دل و جان تصور نمائید که تغذ و اجرای ایسن نقشه و وصول با اهداف این جهاد خطیر روحانی درایا . پرافتخاش و انقلاب صعب و آنگه متنع و محال است " بموجب این بیان نافذ مولای مقتدر ما خواه ناخواه این نقشه عظیم بمورد اجرا خواهد آمد و جای هیچگونه شک و تردید نیست که رسیدن با اهداف خطیره و مقاصد عالیه جلیله پیش بینی شده در این نقشه مستلزم يك رشته اقدامات دامنه دار عاشقانه ایست که باید بیاری جوانان غیور و خدم امر الهی انجام پذیرد و باز جای تردید نیست که در این وادی باید دست از جان کشید و سکوی جانان رسید گر خیال جان بدل هستت همی اینجا میا
 در نشا رجان و دل داری بیما وهم بیار

رسم ره این است گر وصل بهاداری طلب
 ورنباشی مرد این ره دور شو زحمت میار
 و اگر ما دست بردست گذاریم و اجرای این نقشه را به حوادث و انقلابات کونیه واگذاریم و بخواهیم که حوادث و انقلابات ارضی باعث تحقق این وعود الهی و اجرای نقشه رحمانی گردد بموجب بیان قاطع مولای عزیز ما - این نقشه انجام خواهد پذیرفت ولی ما نیز در آتش ایسن انقلاب و در شعله نار غضب الهی خواهیم سوخت و در زیر بار حوادث خرد خواهیم شد . پس حال که لطف الهی شامل و موهبت ربانی کامل و اجرای این نقشه و عمل

XXXXXXXXXXXX

جمهور و عقلا بر آنند که تشویق و تحریص در ترقی و تعالی افراد بشر عامل مهم و مؤثری بشمار می‌رود هر جا جامعه و ملتی که باین سرعظم پی برد و منحومد برانه و حکیمانانه در شئون مختلفه حیات آنرا بکار بست یقیناً نتایج سود مند و مستحسنی بدست آورد و بالعکس ملتی که در این امر مداهنه و مسامحه را سرمشق خود قرار دادند و بی‌اروی اغراض خصوصی و منافع مادی از تشویق سر باز زدند و در پی تنقید بیجا و خرد گیری بیروا - برآمدند منحنط و خوار شدند اگر تاریخ عالم را در ورق بر زمین و بدقت در عجل و موجبات ترقی و انحطاط اقوام و ملل مطالعه نمائیم این نکته کاملاً در نظر ملحقان خواهد شد که یکی اهل تمدنی افراد نوع انسان بدبینی بین آنها و عدم توجه به تشویق بود راست. ملل را قبه جهان که از بر تشویق دانش مستفیضند و تجربیاتی در بهبود اوضاع جامعه خود دارند کم و بیش این اعلی مهم را در نظر گرفته و با نتیجه در عرصه علم و هنر به پیشرفت‌های شگرفی نائل آمده‌اند مثلاً برای تشویق و ترغیب نسل جوان و تقویت بنیه علمی دانش پژوهان در شهرهای کوچک و بزرگ حتی در بعضی از قرا و قصبات در مید آنها و تفرجگاها و باغها مجسمه بزرگان و دانشمندان و مصلحین و مریدان خود را نصب میکنند و در منظر عام میگذارند و بدین نحو مقام رفیع علمی و اخلاقی آنان را تجلیل و تمجیل مینمایند. خیابانها

XX

بدستورات عالییه الهیه بصرف فضل و نهایت هیکل مبارک حضرت ولی امرالله روحی لالطافه الفندا برای زندگی در دوره دنیای ما نیز مشتمل است و ما را از دستبرد نارخانمانسوز انقبالات و تشنجات خارج میسازد.

بیانیم در آستانه سال نو عهد نو بندیم و اجرای نقشه ده ساله همتی نوین گماریم تا اسالیهای آینده بر ما روشن و فیروز و نتوریز گردد.

پایان

و کوجه‌ها و موسسات متنوعه خود را بنام نایب ادب و شعرا و نویسندگان نام گذاری میکنند و از این رو خاطر فراموش نشدن اعمال نیک و پاک آنان را حفظ مینمایند و نشان میدهند که هر کس در راه رفاه و آسایش و اعتلا و ارتقا ملت قدم برداشته هیچگاه فراموش خواهد شد و باطن او را محبت خواهد نمود و تشویق در مشرو وجود نداشته و بجای این شیوه مرضیه رویه ناپسندیده تحقیر و تزییف رواج مینماید آیا دایره ترقیات و اکتشافات بشری این پایه میرسد؟ علمای علم تربیت معتقدند که با روش تشویق میتوان عیوب اطفال و جوانان را مرتفع کرد و چهره‌های کودک و تنبل را یکسب علم و معارف را غلب نمود تشویق کیمیای سعادت بشر است تشویق وسیله نشو و ارتقا است ابر بهاری است که چون بر زمین آفتاب قلوب فرود آید سنبلات علم و دانش پروراند و بالعکس نوهین و تحقیر آتش است که بیخ و بن وجود را میسوزاند.

ما که در ظل امراهی مستظلم الحمد لله از خزان قلمس ابهی آنچه اسباب فلاح و نجاح است برای ما روزانی داشته‌اند اگر قدمی بوسیله هر فردی از افراد در راه خدمت و آسایش اهل عالم برداشته شده اجرش را شارع مقدس و مبین و شارح و ولی امرنا زینش منظور و رکتب الهی مذکور شده است الواح مبارکه و مکاتیب و توقیعات متعدد به مشحون به تشویق فرد احسان است ما که پروردید عنایت الهیه هستیم و مرزوق از خواتن نعمت ائمه اطهار و انقیاد از سجایای حتمه مرضیه چه نیکو است که در این طریق مدد و حه گام برداریم و با حسن نیت و صفای قلب مشوق یکدیگر باشیم فی المثل اگر کسی قیام به تبلیغ نمود زبان بمدح و ستایش روی گشاییم و اقدام خیر را بر بخواهش یا نکنیم اگر فردی جلای وطن کرد و در راه محبوب هجرت و غربت اختیار نمود همه بکدل و یکزبان این فداکاری را تمجید و تحسین نمائیم اگر شخصی تمام اوقات خود را صرف خدمت امرالله کرد به تعبیرات مسو' بقیه در صفحه ۲۰



من یار یاریمن نیستم

دکتر امین الله مصباح

آمیخته لطف هوا با بوی مشک از فرش
 آویخته از هر طرف لعل و گهر بر یک سرش
 بسته همه محکم کمر در کار زیب و زیورش
 وز مخزن ابر آسمان درها بریزد بر سرش
 بر چهره ریاح و باغ و ریح بین آن شاخ و گلبرگ ترش
 سطح گلستان را ننگر و آن تازه فرش اخضرش
 صحن چمن را مینگر و آن لاله و آن عبهرش
 در رهس آمد از غوان یا جانم های احمرش
 بگذشت عصرت از چهل اما که آید با و ریش
 با گل بیامیزیم ما بینم چهار ابریش
 در حیرت از این بند من این پندم از لبش
 با خرمی و تازگی بانگت جانپوشش
 این شور و مستی از کجا کواده و کوساغرش
 آگه ز حال زار من از ابتدا تا آخرش
 کرده زبون روح مرا عنایت یاس و لشکرش
 کی در بهار و بوستان در بهجت آید خاطرش
 از کوی محبوب آمده بگرفته ذیل اطهرش
 شد مستظل روی زمین از باختر تا خاورش
 از چه پنه آید کسی چون لطف او شد رهبرش
 بر روزن جان یافتیم انوار روی انورش
 در عین نویدی شدم تا دهنمون در محضرش
 طعنه بپهر و مه زند آن کوچومند اخترش
 گشتم چو موسی مقبلس با جده ای از اخترش
 قدر زمین میگردد از آسمانها بر ترش
 جز او کجا باشد به دل خود آرزوی دیگرش
 روشن شد این تاریک دل از نور وجه انورش
 دیدی کمال حسن را آنجا عیان در مظهرش
 گردیده های واله چو من از نطق همچون شکرش
 در جنت ابهسی شده مشروب ز آب کونش
 پژمرده بودم تازگی آوردم از خاک درش

گیتی زفر فرود یمن و زنگهت جانپوشش
 از یمن نوروز مهین همچون عروس کامران
 مشاطه های بی شمار از ابر و باد و مهر و مه
 دست طبیعت بر زمین گسترده فرش زمردین
 آئین نوروز است این هر که نهد ای گرده نوین
 گفتم نهان باد لبم کای یار از جان بهترم
 بر روی بستان کن نظر و آن نزهت و نصرت ببین
 دهر که شد نوجوان برخاست پیروی از بیان
 ای بس که شادانی کون چون غنچه خندان کن
 باید که برخیزیم ما طرح نوی ریزیم ما
 بگشود لب دل بند من آن یار بی مانند من
 گفتا که دیدم ستمی من نوبهاران ترا
 لیکن ندیدم در تو من این حالت و وجود و طرب
 گفتم کدای دلداری ای واقف اسرار من
 دانی که از بیجا علی پزمرده بودم سالها
 افسرد های دل مرده ای پزمرده ای آزاده ای
 اما تو میدانی که من آن یار یاریمن نیستم
 آن غصن ممتاز قدم کز سایه مسدود او
 توفیق او شد شاملم تاره بکویش یافتیم
 چون خاک پای او شدم محول قای او شدم
 آری بظلمت یافتیم من آب حیوان چون خضر
 بر آسمان سرسود می گشتم چو خاک کوی او
 در کرم از دست خدا دیدم فروزان آتشی
 دیدم عیان غصن بهما چون میخرازد بر زمین
 دید آنکه روی و موی او آن قامت دلجوی او
 نوید بودستم ز خود امید وار از وی شدم
 دانی چه میگفتم که تو خود بودی در کوی او
 بشنود های از آن دهان آن لحن و صوت و آن
 دیگر کجی افسردگی ماند در آن دل کوچوم
 من مرده بودم زندگی زان آب حیوان یافتیم



2

11/11/11

1

2

3

11/11/11

شکی نیست جوانان عزیز بهائی که در دامان امرپرورش یافته و در ظل تشکیلات نظم بدیع جهان آرای الهی نشو و نما نموده اند کما ینبغی و یلیق بوظایف مقدسه و مسئولیتهای عظیمه خود واقف و برانجام آنها قائمند منظور از نگارش این مختصر تذکر یکی از وظایفی است که متاسفانه تاکنون از طرف جوانان بذل توجه دقیقی بدان نشده و آن عبارتست از مطالعه و تحقیق در مبادی سامیه امریه و تحصیل معارف الهیه .

مسئله مطالعه مبادی امریه و تزئید معلومات برای جوانان بهائی از نقاط نظر مختلف حائز اهمیت و توجه مخصوص میباشد .

اولاً - از لحاظ تحری حقیقت که یکی از تعالیم اساسیه شریعت مقدسه بهائی و یکی از وظائف اصلیه حتمیه هر فرد انسانی است بر طبق این تعلیم هر جوان بهائی که بمرحله جوانی وارد میشود شایسته است منفرداً و مستقلاً قدم در سبیل تحقیق و تحری حقیقت گذاشته با نظر عمیق و توجه دقیق مبادی امریه را یکایک مطالعه و در آنها غور و خوض نماید .

دیانت بهائی دینتی نیست که بظهور موروثی از آبا و اجداد بفرزندان موکول گردد یا اینکه بصرف تقلید کورکورانه

تبعیت شود بلکه وظیفه حتمیه نرسیدگان و جوانان بهائی است که خود با حائز بودن شرایط لازمه تحقیق و تحری حقیقت نموده بصحرف کامل مظهر امر الهی نائل شوند . پس در وهله اول مطالعه مبادی امر از نظر تحری حقیقت بر هر جوان بهائی فرض و واجب است و همین مطالعه و تحقیق است که هر جوانی را بدرک حقایق مسلمه امریه نائل و موجبات استقامت او را در سبیل امر الله فراهم میسازد . ثانیاً - تزئید معلومات از نظر اقدام بامتبلیغ برای جوانان حائز اهمیت مخصوصی میباشد .

بدین شک جوانان عزیز بهائی آثار و الواح مبارکهای را که در خصوص امر خطیر تبلیغ از قلم معجز شیم جمال اقدام ابهی یا مبین منصوص آیات الله ویا ولی مقدس امر الله عز و نزل یافته زیارت بر اهمیت این وظیفه مقدسه یعنی تبلیغ واقف و مطلع گردیده اند لہذا در این مقام از بسط مقال اجتناب و خوانندگان محترم را به آثار و الواح مقدسه که در اکثر آنها باین امر لازم حیاتی اشارت رفته مراجعه میدهد فقط ذکر این نکته را در اینجا ضرور میدانم که جوانان عزیز بهائی در این سبیل وظایفشان از سایر افراد بسی دشوارتر و مسئولیتشان عظیم تر است اصولاً طبقه جوان در هر جامعه ای بمقتضای نیروی جسمی و روحی

مرغ خیالم برزند دائم بسوی کنورش
برده شکیب صبر من آن دیده غارتگرش
خورشید و ماه و آسمان فرما بگردند و چاکرش
گرام او نایب کجا گردد زمین بر محورش
بینم مرا آبتی ز آیات بی حد و مرش
زان نمه ای بینم نشان از حسن و سوی عنبرش
آتش جانم افتد زان اخگر و زان مجمرش
از این سبب در بهجت است از گلستان و منظرش

باد بهار اینک مرا آرد بیست و دو ی او
آورده سکر و مستیم صهبای عشق روی او
من در جهان جز عزم او دیگر نیستم عاملی
گرفضل او نبود چسان خورجان دهد براتس جان
در اهتزاز آیم اگر از نکبت بساد عبدا
بر واله و شیدا شم از حسن روی و بسوی گل
گر لاله بینم داغ دل اشگفته کردم همچو او
آری امین از دوجهان جز او نبیند هیچکس

الهیة متحلی میباشند قسمت ثالث و اخیر را نیز مہرچ
شمرده و با توسعه روز افزون اطلاعات امریہ خویش موجب
تسهیل و تسریع امر تبلیغ را فراهم فرمایند .
ذیلاً بقتضای موقع و مقام چند فقرہ از آثار مقدسہ را
زیب این اوراق میسازد :

" باید نفوس مقدسہ تفکر و تدبر نمایند در کیفیت تبلیغ
و از کتب بدیعیہ الہیہ در ہر مقام آیاتی و کلماتی حفظ -
نمایند تا در حین بیان در ہر مقام کہ اقتضا نماید آیات
الہی ناطق شوند چه کہ اوست اکسیر اعظم و ظلیم اکبر
افخم بشانیکہ سامع را مجال توقف نماید .

(حضرت بہا' اللہ)

عند لیب ہزار آواز اگر ساز نغمہ ننماید صغوہ لال است
و لیل گلزار معانی اگر ترا نہ سازد عصفور بکم بی پروبال
است حمامہ گلشن اسرار اگر تغردی نفرماید چون غراب
گلخن نمودار گردد و طاس و سقا اگر جلوہ نفرماید چون
زاغ خرابہ زار فناست " (حضرت عبدالبہا')

" اعمال و رفتار و اطوار حقیقت است و گفتار مجاز اگر این
مجاز مطابق حقیقت باشد تا رحمت اللہ شعلہ زند و آن
نفس موید گردد " (حضرت عبدالبہا')

" از جملہ فرائض اعضای محافل روحانیہ ترویج امر تبلیغ
است باید جوانان را علم تبلیغ بیاموزند و بر معلومات
امرہ و علمہ و ادبیہ آنان بیفزایند با سلوب و لحسن
خطابہ های حضرت عبدالبہا در بلا و غرہ آشنا نمایند
و شرایط مبلغین کہ در کتب و صحف مشہور است متذکر
سازند . " (حضرت ولی امر اللہ)

تعارف اللہ یعنی اقبال بمظہر کلیہ الہیہ و حسن رویہ
و رفتار از لوازم اعلیہ و شرایط ضروریہ تبلیغ است و اگر
چنانچہ مبادی امرہ و علم و نافعہ نیز تحصیل شود نور
علی نور گردد و امر تبلیغ را تسہیل و ترویج نماید "

(حضرت ولی امر اللہ)

تحصیل علم و فنون و معارف و اکتساب معلومات ہر چند

فوق العادہ ای کہ دارند چشم و چراغ جامعہ محسوب
ہمیشہ آنان هستند کہ مصدر و منشأ خدمات و فعالیت ہا
مفید واقع میشوند . در تاریخ ادیان و ملل مختلفہ نیز
بوفور شواہد بارز و آشکارائی بر اثبات این مدعا میتوان
یافت صفحات تاریخ مشعشع و روانوار دیانت مقدسہ بہائی
نیز کل مملو و مشحون از فداکاریہا و جانبازیہای نفوس
مقدسہ است کہ در ریعان شباب جان برکف نہادہ و در
اثبات حقانیت امرنا زمین بہائی خون خویش را نثار نمودہ
انستد .

اینکہ کہ عالم انسانی در غرقاب فنا و نیستی مستغرق و ہر
آن ہم انعدام و اضمحلال آن میرود جامعہ بہائی برای
نجات آن از این گرداب فنا و ہدایت من علی الارض بشر
بقا بوجود جوانان مومن متمسک و مطلع احتیاج دارد کہ
بصلاح ایمان و ایقان و وسیلہ کمالات روحانیہ و شمیم مرضیہ
و نیز بقوہ نطق و بیان قدم بمیدان تبلیغ گذاردہ عملاً و قولاً
مبادی سامیہ شریعت مقدسہ بہائی را بر جہانیان اثبات
نمایند .

جوانان عزیز ضمن زیارت نصوص والواح مقدسہ در بارہ امر
تبلیغ متوجہ این نگتہ گردیدہ اند کہ طریق تبلیغ از دو راہ
خارج نیست تبلیغ باعمال و تبلیغ باقوال گرچہ در کلیسہ
نصوص مبارکہ تبلیغ باعمال اعظم از تبلیغ باقوال محسوب
گردیدہ ولی مسئلہ نطق و بیان و اقامہ دلیل و برہان نیز
در این سبیل مہم شمردہ شدہ و از جملہ لزوم تاسیس
محافل درس تبلیغ علی الخصوص برای جوانان مورد اشارہ
قرار گرفتہ است .

بشہادت آثار مبارکہ اگر معرفت الہی کہ عبارت از ایمان
بمظہر کلی الہی است توأم باعمل باحکام و تعالیسم
الہیہ باشد و منضم بہ اطلاعات امریہ و استدلالات عقلیہ
و نقلیہ گردد نور علی نور شود .

پس شایستہ است جوانان عزیز بہائی کہ کسب از کاس
پرحلاوت ایقان مشروب و بہ حلیہ تمزیہ و تقدیس و کمالات

از لوازم ضروریه محسوب نه ولی از تاثیر کلی و اهمیت عظمی خارج نیست" (حضرت ولی امرالله) مطابق نصوص مقدسه فوق میتوان گفت که تحصیل علوم و معارف گرچه از لوازم ضروریه و شرایط اصلیه برای پیشرفت امر تبلیغ نیست لکن اطلاع از آنها در ترویج و تسهیل امر تبلیغ خالی از اهمیت نمی باشد.

امروز عالم بشریت بمثابه جسم انسانی است که بانواع - اسقام و امراض مبتلا گردیده و بجای مراجعه بطبییب حاذق خود را در اختیار تعدادی طبیب نمایان قرار داده و در نتیجه بحال احتضار افتاده است در این میان تنها گروهی که بنام پرافتخاریهائی موسوم و موصوف در نتیجه معرفت طبیب حاذق حقیقی و نگار بردن داروهای نجات بخشی که بوسیله او تجویز گردیده از مرگ و نیستی رهائی یافته اند حال وظیفه افراد این گروه است که بشکرانه این عنایت و فلاح اقدام به استخلاص سایرین نیز ازیند این امراض مهلکه نمایند.

پیروان جمال اقدس ایبهی در حکم طبیبانی هستند که از جانب طبیب حقیقی الهی مامور بمعالجه هیکل مریض و ناتوان عالم انسانی گردیده اند.

همانطوریکه برهریزشگی لازمست قبلا از ماهیت و خواص درمانی ادویه مختلفه کاملا مطلع باشد و هر یک را بموقع خود دستور دهد و تجویز نماید بر پزیشگان روحانی عالم انسانی یعنی پیروان امر بهائی نیز ضروریست که خود قبلا بر ماهیت و حقیقت داروهای نجات بخشی که در دست دارند معرفت کامل حاصل نمایند این داروهای شفا بخش همان تعالیم مقدسه ایست که از طرف جمال اقدس ایبهی برای نجات عالم انسانی از اسقام و آلام موجوده تجویز گردیده است حال وظیفه هر فرد بهائی - علی الخصوص جوانان است که کاملا و محققا این تعالیم مبارکه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده سپس آنها را بخوبی فراگیرند تا در موقع اقامه دلیل و برهان مجال انکسار

از برای احدی باقی نگذارند بدون شك اگر جوانی که قدم در میدان تبلیغ میگذارد از لحاظ اطلاعات امریه تا حدی کامل نباشد نخواهد توانست آنطور که باید و شاید در تنویر افکار اطرافیان خود موفق شود چه که ذات نایافته از مستی بخش کی تواند که شود هستی بخش.

امروز روزیست که فرمان یک جهاد خطیر روحانی از طرف سالار چند هندی حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاتسه الفدا صادر گردیده است گرچه مقصد از این جهاد اقدام به مهاجرت و تشتت در بلاد غیر مفتوحه است لکن بایست دانست که هدف نهائی از آن مطابق نصوص مبارکه تبلیغ امرالله و نشر نجات الله و اعلاء کلمه الله است و بس.

افراد احمای الهی مخصوصا جوانان که شایق و مایل به شرکت در این جهاد روحانی میباشند مانند سربازانی هستند که قدم در میدان جنگ می نهند همانطور که اسلحه از لوازم ضروریه هر سرباز در جبهه جنگ میباشد اطلاعات امریه و معارف الهیه نیز از لوازم ضروریه هر جوانیست که قصد شرکت در این جهاد خطیر را دارد. مولای بیهمتا حضرت ولی امرالله در ضمن یکی از توفیقات منیع خورشید باین نکته اشاره میفرمایند (ترجمه)

" دنیا پس از جنگ دچار اوضاعی مهیب و مدش خواهد گشت اگر باران بنا است بوظیفه عامل گردند و داروی شفای الهی را بعالم انسانی اهدا نمایند باید بر انجام وظایف عظمی که در پیش دارند آماده شوند این نکته بنحو اخص متوجه جوانان است جوانان بهائوسی که همواره دختر و سر باید در تعالیم الهیه تعمق دقیق فرمایند و مسائل را عمیقانه تحصیل کنند تا بتوانند به تبلیغ امر الهی موفق شوند و مردم را اقتناع کنند که مشکلات آنان حل شدنی است و راه حل در دست آنان است - جوانان باید مبادی اداری امر بهائی را درک نمایند تا بتوانند بحکمت و قدرت امور دایم الاتساع امر الهی را تحت اداره در آورند جوانان باید در حیات یومی سر مشق

زندگی بهائی باشند . . . *

نکته قابل توجه اینکه با پیشرفت و توسعه امرالله وظایف و خدمات جوانان روز بروز در توسعه و تزیین است و هر روز بر سنگینی مسئولیت های آنان افزوده میشود چه در حال حاضر و چه در آینده وجود جوانان مطلع و دانشمند لازم و ضروری بوده و خواهد بود .

بنظر خلاصه میتوان گفت کمتر بید معلومات امریه برای جوانان چه از نظر تحقیق در مبادی امریه و چه از لحاظ اقدام با مرتبلیغ و چه از نظر آمادگی برای انجام وظایف روحانیه در آینده حائز اهمیت و قابل توجه مخصوص میاید حال باید دید با در نظر گرفتن مراتب فوق فرا گرفتن چه اصول و تحصیل چه اطلاعاتی در درجه اولی برای یک جوان بهائی لازم و ضروریست .

بطور کلی چشمه معارف امری بقدری فیاض و باطن آن بحدی وسیع است که عمر انسانی کفاف تحصیل آن را ندهد و آنچه در اینجا مورد اشاره قرار میگردد عبارت از چند اقلی است که تحصیل آن برای یک جوان بهائی در نتیجه ضرورت است .

این اطلاعات امریه را میتوان در چند قسمت فرا گرفت .

- ۱- مبادی روحانی
- ۲- مبادی اداری
- ۳- احکام
- ۴- تاریخ امر
- ۵- استدلال عقلی و نقلی

مباحث فوق عموماً مطالبی هستند که فرا گرفتن آنها در درجه اول اهمیت میباشد اما در درجه ثانی تحصیل و ممارست در فن نطق و خطابه و تحصیل السن خارجه علی الخصوص زبانهای عربی و انگلیسی که تحصیل آنها بکرات و مراتب از طرف هیکل مقدس ولی عزیز امرالله توصیه گردیده است و نیز تحصیل کتب مقدسه و تاریخ ادیان را میتوان به معلومات فوق افزود که فرا گرفتن آنها نیز مبلغ را در سبیل امر تبلیغ وسیله تسریع و تسهیل موثری خواهد بود نکته ای را که در آخرین مقال قابل ذکر میدانم اینکه اول

بهترین ایام برای آموختن علم و فنون ایام جوانی و سنین شباب است زیرا در این دوره از عمر انسانی که در حقیقت بهر از زندگانی میباشد از طرفی نیروی فوق العاده جسمی و روحی و از طرف دیگر قلت اشتغالات و فراغت خاطر اجازه می دهد که فرد جوان بیشتر و بهتر بتواند از اوقات خود برای مطالعه و تحصیل استفاد نماید بعلاوه جه از دماغی نیز در این دوره بیشتر از سایر اوار زندگی حاضر و مهیا می قبول مطالب میباشد .

در زمانی تذکر این نکته ضروریست که خوشبختانه در حال حاضر مخصوصاً در مدینه منوره طهران و سایر تهریه معارف امریه از هر لحاظ برای جوانان عزیز بهائیه مهیا و آماده است از یکطرف وجود دانشمندان ارجمند بهائی و از طرف دیگر تکثیر روز افزون کتب امریه و نیز وجود کلاسهای مختلفه متنوعه و سایر مفید و موثری هستند که میتوانند جوانان عزیز را در سبیل تزیید معلومات امریه کمک و مساعد باشند .

با در نظر گرفتن مطالب فوق شایسته است جوانان عزیز بهائی که در سهار زندگانی بوده و جسم و روحاً مادگی کافی برای مطالعه و تجسس دارند از اوقات گرانبهای خویش حداکثر استفاده بنمایند روز بروز در تزیید معارف امریه بیشتر جدیت فرمایند تا در مستقبل ایام در موقع لزوم پای مردانه در میدان خدمت و تبلیغ گذارده از طرفی موجبات نشر نفعات الله و اعلا کلمه الله و از طرف دیگر اسباب رضایت خاطر مولای عزیز و توانائی خود را فراهم فرمایند چه که اینست منتهی آمال و آرزوی هر بنده مخلص و وفادار جمال اقدس ایهی .

بایان

در این گوشه تنهایی که جز صغیر باد و ناله درختان عدایی شنیده نمیشود چه میکنم؟ به اطراف خود مینگریم و در انتظار آنم که عدایی آشنا مرا از این تنهایی رهائی بخشد سکوتی وحشتناک سکوتی مرگبار سکوتی که آدمی را باندیشه و تفکر وامیدارد در اینجا فرمانروائی میکند منم با جلوه های غم انگیز طبیعت منم با سکوت و تنهائی .

اما نه در اشتباهم در این گوشه آرام تنهائیستم در پیرامون من آشنا و بیگانه و آنانکه نامشان خاطرات شیرین از گذشته هارا در ذهنم پیدا میکند قرار دارند هرگز گمان نمی برم که اینهمه آشنای گذشته را دوباره بازبینم و عزیزان از دست رفته را از نو در یک جمع مشاهده کنم اینک آنانرا که سالیان دراز نه نامی و نه نشانی از خود بجای گذاشته بودند در کنار خود می بینم و کسانیرا که نامشان در لوح خاطرم همچنان پایدار و برقرار مانده اکنون در اینجا مشاهده مینمایم مجمعی است که همه از زن و مرد پیرو جوان توانگر و بی نوادگان گرد آمده اند هر یک با خاموشی خود داستانهائی میگوید و با سکوت خویشتن ماجراها را از زندگی گذشته بیان مینماید .

اینجا بزم خاموشان است بزمی است که بجای شادی و طرب و سرور و نشاط به میهمانان ناخوانده اش اندیشه و تفکر و غم و حسرت بهره میدهد منکه از دیرباز مشتاق دیدار دوستان بودم دیگر این بار از ملاقات آنان لذت نمی برم منکه اشک غم بدرقه راه عزیزان از دست رفته نمودم بودم اکنون از باز یافتن آنان خرسند نمی گردم بجای وجد و سرور لرزشی که تا مغز استخوانهایم راه یافته در خود احساس میکنم و در عرض لبخند شادی سیل غم از دیدگانم فرو میریزد .
در این بزم از هیاهو و گفتگو خبری نیست همه قفل خاموشی

بر لب نهاده اند زیرا آنانکه بدین بزمگه خوانده شده اند دیرزمانی است که لب از گفتار فرو بسته اند و آنانکه عزیزان خود را با اینجا بدرقه میکنند و ناخوانده پای باین بزمگه مینهند آنقدر افسرده دل و زار و پریشانند که جز آه و اشک دیده چیزی ندارند که با دیگران در میان نهند اندیشناک و متفکر در این جمع قدم میزنم بزمی بزمی خود نگاه میکنم تا نام یکایک آشنایان گذشته نام را بیاد آورم این کیست که در اینجا آر میده نامش در نظرم آشناست آه بخاطر آمدن این همان نوکی خندانی است که همنوز گل وجودش ناشکفته بدست تند باد اجل پرپر گردید این همان دختر شادابی است که سرگز لب از خنده فرو نمی بست دنیا را بیاز چو میگرد و گمان نمی برد که چنین ناگهان به سرزمینی ابدیت خوانده شود بخاطر آمدن که او پیوسته پیری و نیستی را با یکدیگر مترادف میدانست و خود را فرستگها از دوازده مرگ دوری پنداشت چه خبر داشت قبل از آنکه گرد پیری موی شبر نگش را سفید و قد سرور را همانند کمان خمیده گرداند از دوازده مرگ گذر خواهد کرد و هنوز مراحل شباب و کهنوت را نپیموده به سرمنزل ابدی خواهد شتافت .

از او دور میشوم و به سراغ آشنای دیگر میرم نام این آشنا مرا با درد ورنج قسمرین میسازد و خاطره اش دلم را از فرط اندوه و آلم میازارد این همان مهربان مادری است که بخاطر فرزندانش لحظه ای آرام و قرار نداشت زندگی خود را وقف سعادت و آسایش آنان نمود و خود هرگز درین راحت و آسوده نبود چون زاهد معتکفی که گوشه عزلت اختیار کرد و بذکر نام معبودش میگذراند او نیز کج آنرا اختیار نمود و امیدها و آرزوهای خود را در وجود فرزندانش متمرکز کرده بسود به هیچکس اعتماد و اطمینان نداشت و آغوش پرمهرش را

تنها ملجاء و پناه آنان نموده بود اما ناگهان مقراض
اجل رشته زندگیش را قطع کرد و دست فرزندان را از دام
چنان مهربان مادر کوتاه ساخت .

در کنار آنند بگری توقف میکنم فراموش نمی نمایم که این
بخواب ابد رفته در زندگی در آرام نبود پیوسته
در تلاش معاش و مستغرق در ریای بیکران خواسته هایش
بود چنان خود را گرفتار قیود زندگی ساخته بود که
لحظه آسایش فکر و راحت جان نداشت بگمان خود در
بی آن بود که وضع زندگی را از هر جهت فراهم سازد با
فکر آسوده از مواهب موجوده برخوردار شود و روزی چند
آسایش و راحت بیند تا آنوقت بفرگد نیای دیگر و آماده
ساختن خویشتن برای زندگی نوین گردد چه خبر داشت
که هنوز با سفر نبسته و توشه راه آماده نساخته قافل
زندگی او را به سر منزل مقصود خواهد رسانید و قبل از
آنکه فرصت کامیابی از مواهب زندگی دست دهد راه
سرای دیگر در پیش خواهد گرفت در ریای زرف اندیشه
غوطه ورم به زندگی خود و هزاران فرد دیگر که سرنوشتی
همانند من دارند فکر میکنم به راهی که هر یک از ما خواه
ناخواه در پیرایه خود خواهد پیمود میانندیشم ناگهان عدائی
رشته افکارم را پاره میسازد و مرا از نیای اندیشه و بندار
بیرون میکشد بخود میامد این عدا چیست که میخواهد
تار و پود جانم را از هم بگسلاند این چه آهنگی است
که با ارتعاشات خود جسم را مرتعش میسازد؟ چیزی
نیست عدا ای کلنگی است که دل زمین را میشکافد تا یکی
از فرزندان خاک را در آغوش مادر جای دهد رنگ اخباری
است که در این بزم نواخته میشود تا مجتعمین را از ورود
میهمانی آگاه سازد .

بازیک جسم بی روح در زیر خروارها خاک جای میگردد
بازیک رقم بر شماره ساکنین وادی خاموشان افزوده میشود
قلبی که مملو از آمال و آرزوها بوده اکنون از طپش باز
ایستاده است مغزی که هزاران افکار در خود می پروراند

اینک از کار افتاده است جسمی که روزگاری گران و عزیز
بوده و هرگز طعم تنهایی نچشیده باید از این پس در
دخمه تاریک دروازه دیگران پیارم و دیری نمی گذرد که از
آن جز چند پاره استخوان انری دیگر بیدار نمی ماند
فکر میکنم این عاقبت جسم ماست این مکان تاریک
وحشت ز آرزوگاه تن است همان چیز پراک از جان عزیزتر
میدانیم همانکه بخاطر راحت چند روزه اش روح را که
جاودانی و فنا نابد بر است آورده ورنه جور میسازیم .

چه شد ماست که اینقدر غافل و بی خبریم با آنکه هر روز
چشم ظاهر ناظر پایان زندگی دیگران هستیم با
نمیخواهیم و نمی توانیم پاور کنیم که چنین عاقبتی نیز در
بی ماست چرا از فرصت چند روزه خود استغاده نمی بریم
و جان را برای سفر طولانی که در پیش دارد آماده نمیسازیم
چرا اوقات گرانبهائی را که هر لحظه اش گرانبهاتراز

خروارها سیم و زر است برایگان از دست میدهیم باز این
و آماده ساختن روح برای دخول به سرادق عدس غافل
مانده ایم آخر چرا با بریقی از امواج رفیق اعلی گذشته ایم
کاش بیاد میآوردیم که مرگ فقط یک بار آنهم ناگهانی
بسراغ ما میآید نه قبلا از ورود خویشتن خبری میدهد و نه
نظری بجوانی و پیری به زشتی و زیبایی به ثروت و بینوائی
دارد او ناگهان و بغتة مهر "پایان" را بر آخریست
صفحه کتاب زندگی ما که از تعداد اوراقش هیچکس را جز
حق جل جلاله آگاهی نیست مینهد و قتیکه دیگر نه کاری
از دست بر میآید و نه حسرت و افسوس و شیمانی معنائی
دارد و قتیکه دیگر نه فرصت رسیدگی به حساب زندگی
را داریم و نه میتوانیم خطاهای گذشته را جبران نمائیم
آیا بهتر آن نیست که از سر نوشت دیگران متنبه شده
و بیشتر متوجه بیان مبارک "یا ابن الوجود حاسب نفسك
فی كل يوم من قبل ان تحاسب لان الموت یاتیک بغتة
وتقم علی الحساب فی نفسك" گردیم .
مرگ دروازه ایست که ما را از این سرای فانی بدنیای

جاودانی رهبری میکند همه باید از این دروازه گذر کنیم
 و راه گریز و فراری از آن در میان نیست ای خوش آن
 کسانی که مست باد به پی خبری نیستند هلت و مقصد نهائی
 خلقت خود را نیک دریافته اند ای خوش آن کسانی که
 مفتون و مجذوب نقش و نگار این سرای سپنج نشده و
 خویشان را برای زندگی در سرای جاودانی آماده -
 میسازند نمدانم کدام نویسنده درباره زندگی
 چنین گفته است افراد انسانی مسافری کشتی بزرگی
 هستند که در دریای بیکران زمان سیر میکنند در کنار
 جزیره کشتی مدتی کوتاه توقف میکند و مسافری برای
 سیر و تماشا پیاپی ده میشوند در آنجا هر یک بگوشه
 شتافته به نحوی خود را مشغول میسازد بعضی بسط
 ماسه های نرم به ساختن خانه و قصری پردازند و برخی
 دیگر دامن خود را از صدفها و مهره ها آویخته میگردانند
 ناگهان ناخدا در شیبور میدوید و همه را به کشتی میخواند
 مسافری بخوابیدند آن مهره ها و صدفهای را که
 با چنان لذت و اشتیاق گیر آورده بودند را میسازند
 خانه های ساخته شده را ترک میگویند و با حسرت و
 افسوس و یادست خالی به کشتی و سوی ناخدا که
 آنانرا با شتاب میخواند باز میگردند .
 ماهم برای مدتی کوتاه در این سرزمین بسرمی بریم
 و خود را بجمع آوری مهره ها و خرف یا ساختن و پرداختن
 خانه سرگرم ساخته ایم غافل از آنکه هیچیک از این دو
 مارا در سفر بکار نمی آید کاش قبل از آنکه دوباره در
 دریای بیکران زمان به سیر خود ادامه دهیم توشما
 برای خویشتن میان و ختمیم که همراه بردن آن با خود
 امکان پذیر بود زمین به سیر خود ادامه میدهد با گذشت
 هر روز و با طلوع آفتاب در هر صبحگاه بیست و چهار ساعت
 از عمر ما میگذرد و فاصله ما با دروازه مرگ نزدیکتر میشود
 این کره ارض که آنرا خانه جاودانی خود می پنداریم
 ناظر زندگی میبارد ها انسانی چون ما و مسکن افراد -

بیشماری مانند ما بوده است در این میهمان سرا " هر کس
 چند روزه توست او ست " و ناچار باید جای خود را
 بدیگران بسپارد ای خوش آن کسانی که این حقیقت را -
 بدرستی فهمیده اند روح خود را بخاطر آسایش موقت
 چند روزه آزرده نمی سازند .
 قرون و اعصار میگذرد و با گذشت خود نام طعمونها افراد
 انسانی را که در این سرچند روزه میهمان بوده اند از
 خاطرها محو میگرداند ولی خوشبختانه مادر عصری
 زندگی میکنیم که با توجه به عظمت آن میتوانیم نام جاودانی
 و توشه حقیقی برای خویشتن کسب کنیم و بسند و زبیم .
 مادر ایای زندگی میکنیم که فخر قرون و اعصار است زندگی
 ما مصادف با عصری است که گذشتگان آرزوی یک لحظه
 زیستن در آنرا مینمودند چه خوب است بشکرانه نعمتی
 که حق جل جلاله با ارزانی فرموده کمر همت بر بندیم
 و در سپیل امرنا زمین خدمت کنیم و برای سفر حویش توشه
 حقیقی گرد آوریم .
 امروز روز قیام بهجرت است آنکس مورد عنایات بیشمار -
 مولای مهربان قرار میگیرد که در این امر خطیر سهیم
 باشد آنکس موفق و موید است که امرها را بکوشش و جان
 اطاعت کند امروز گنجینه راهنما در دسترس هر یک از ما
 قرار داده شده تا هر یک بفرآخور حال و بقدر وسع خویش
 بتواند از آن سهمی بردارد و آنرا توشه سفر ابدی خود گرداند
 توشهای که بتوان آنرا با خود همراه برد و با کمک آن
 سفری دلپذیر آغاز کرد شایسته آنست قبل از آنکه مهر خاموشی
 بر لب گذاریم پیش از آنکه پای از حرکت باز ایستد قدمی در
 راه اطاعت امر محبوب برداریم قوای فعال خود را آنقدر
 صرف بجای ما مهره و خرف نگردانیم و آنرا در راه کسب رضای
 مولای مهربان بکار ناند زیم . آنوقت است که هرگاه
 بیک اجل رسد مضطرب و هراسان نخواهیم شد و برگزیده
 از دست رفته حسرت و افسوس نخواهیم خورد بلکه مقدمش را
 با خرسندی و آرامش خاطر استقبال خواهیم کرد . زیرا

در هر دوری از ادوار یکی از اصول مهمه ادیان الهی امر به تبلیغ بوده است ولی دستور تبلیغ و نشر تعالیم و شاعیه احکام در هر کدام از این ادوار و ادیان بنحوی از انحصار عملی و اجرایی شده یکی بابیان و سنان و دیگری باسیف و سنان و امر جهاد نیز راهی برای اشاعه دین و تبلیغ غیر مومنین بوده مثلا اگر در دیانت اسلام بدقت ملاحظه کنیم غزوات مهمه پیغمبر اکرم و شمشیر بران حضرت علی علیه السلام بر این امر خود شاهده است عادی و گواهی است ناطق چنانکه در سفر مجید قرآن کریم نیز نازل شده است (یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم) (سوره توبه) ولی در این دور بدیع و کور عظیم امر تبلیغ بوسیله جهاد یعنی با سیف و سنان بکنایه و مومنین از جنگ و ستیز و اتخاذ این طریق منوع گردیده اند چنانکه حضرت بهاء الله در این باره میفرمایند قوله الاحلی (بشارت اول که از کتاب در این شهر و اعظم بجمیع اهل عالم عنایت شد محو حکم جهاد است از کتاب تعالی کریم ذوالفضل العظیم الذی به فتح باب الفضل علی من فی السموات و الارضین) در تمام آثار مقدسه دیانت بهائی والواح نازل و بشا را واصله اجبارا در هر موردی بمسالمت دعوت و به تبلیغ بعمل و مدارا با دشمنان و معاشرت و موافقت با کلیه ادیان نصیحت و وصیت میفرمایند در این مقام باین بیان مبارک حضرت عبدالبها اکفا میشود (در این دور بدیع و قرن جلیل اساس دین الله و موضوع شریعت الله رافقت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل و صدقات و مهریاتی ***** از این فرصت چند روزه استفاده کرده و اطمینان داریم که با اطاعت از امر محبوب در جهان آیند و با خوشبختی و سرفرازی زندگی خواهیم کرد .

صمیمی قلبی با جمیع ثوائف و نحل و اعلان وحدت تعالیم انسانی است حتی بیگانه آشنا بود و اغیایار شمرده گردد با جمیع افراد بشر از هر ملل و نحل باید بنهایت دوستی و راستی و امانت و دیانت و الفت و اتحاد معامله گردد)
 باین بیانات فصیحی و کلمات نورانی وجهه عالم به سمت دوستی و محبت و صمیمیت و صلح و صفامعطف گردید و عالم بشریت را روحی تازه در کالبد دیده شد و جهاد بسا شمشیر و جهاد روحانی تبدیل گشت در این زمان که قائم چند هدی مومنین را بجهاد کبیرا کبر فرمان داده وید مبارکش ناقوس این جهاد را در آسمان امرصداد آورد این جداچنان در عالم امر طنین انداز گردید که رجال و نساء پیر و پیرانه را از خواب بیدار و میدان مبارزه فرستاد و هیچ فردی را در هیچ نقطه از نقاط عالم از این امر مستثنی ننمود چنانچه میفرماید (از سپاهیان غیور و محبوب و موید حضرت بهاء الله کسه در میادین مختلفه بخدمت مشغولند در هر موقف و مقامی قائم باشند و تحت هر وضعیت و شرائطی انجام وظیفه نمایند خواه در مناطق سرد و ناسازگار ماورا مدارقطنی و خواه در نواحی گرمسیر نیمکره غربی و شرقی یا در حواشی جنگلهای برمه مالایا و هندوستان و یادرکناف صحاری آفریک و شبه جزیره عربستان . . .) و برطبق بیانات مبارکه کلیه اجبا باید لباس رزم دربر کرده و اکلیل استقامت بر سر نهند و در این میدان بجان بازی مشغول گردند و از زمانسع دیده و فقدان وسائل ظاهره نهوا سیده با خاطری شاد و ایمانی محکم قدم بمیدان خدمت گذارند و جهادی حقیقی و روحانی آغاز نمایند مولای عالمیان باینسانسی فصیح و بلیغ این جهاد را تشریح و کیفیت آنرا بدینگونه برای جهانیان توضیح فرموده اند (قوه دافعه اشرف فیض آسمانی و جندش سپاه ملا اعلی است و قائم و نگهبان

روح زند و جاوید حضرت عبدالبها، نغمه صافورش یا بها،
 الاهی است و نقره نا قورش یا علی الاعلی سیف
 شما هرش کلمه الله است و برجم مواجر وحدت دین الله
 شعرا عظمش مظلومیت کبری و سهم و ستاندر عبودیت
 آستان جمال الاهی فریادش وحدت عالم انسان است
 و نقطه نظرگاهش صرمت و سعادت جاودانی پرلیسیغ
 بلیش نصاب علم اعلی است و گرز آتشینش خطابات
 قهریه در صحن نور، جولا نگاهش میادین قلوب و -
 یگانه آماش تصفیه ارواح و نفوس) سردار این چند هدیه
 حضرت ولی امرالله باصابع مبارکه خویش نقشه ایسن
 جهاد اکبر را طرح و باکمال دقت و سرعت دستوریشرفت
 داده و مدت این جهاد کبیر اکبر را ده سنه و انقضای
 آنرا صدمین سال اظهار امر مبارک جمال اقدس الاهی
 تعیین فرموده است خوشبختانه سپاهیان دلیر و -
 سربازان شجاع امر بهائی سرازیا نشناخته و چندان
 همتی نمودند که زود تراز موعد معین موفق بفتح اقالیم
 غیر مفتوحه منقوشه در نقشه شده و سبب سرور و حبور علمدار
 این جهاد روحانی گردیدند و این نبود مگر از تائیسر
 بیان مبارک حضرت ولی امرالله که فرمود (چون ایسن
 ساعت مبارک یعنی حلول جهاد کبیر اکبر فرارسد باعزوی
 راسخ و تصمیمی قاطع تیام نمایند و تا مراحل باقیه را
 نپیموده و یک امداد نقشه ها را که بعد از اسلام
 خواهد گردید بموقع اجرا نگذارند ازیا ننشینند و
 آسایش و راحت آرزو نمایند) میتوان گفت که لله الحمد
 احبای الاهی این بیان مبارک را آویزه گوش نموده و
 بدستور مبارکتر عمل نموده اند زیرا امروز فقط یکسال
 اندی از طرح نقشه ده ساله این جهاد جهانی روحانی
 پیش نمیکرد که موفقیتها ی عظیمی نصیب سربازان
 شجاع امرالله گشته است . قائد عظیم الشان جنس
 هدای از میان جنود مجنده خویش افسران دلیر
 و بی باکی را انتخاب و بنام ایادی امرالله تسمیه فرموده
 و آنان را در شرق و غرب عالم پراکنده و ناظر جریان ایسن

نقشه وسیع نموده است این برگزیدگان مبارز و دلیر و فارسان
 مضار عبودیت بدون آنی تاخیر مجوز بریانمودند و سیر
 و سفر و تنفیذ دستورات سردار کریم در مابین لشکریان عظیم
 پرداختند و همه یک دل و یک زبان در این راه تیام عاشقانه
 نمودند و از بذل مال و جان دریغ نکردند و هر چند گاه یکبار
 افسران شجاع و سربازان نخبه دلیر امر مبارکش در محلی
 اجتماع نموده و کنفرانسی تشکیل و راجع به تنفیذ و توسعه
 نقشه جهاد جهانی روحانی تصادم افکار نمودند و کنفرانسی
 های چهارگانه بین القارات در اثر اجتماع این یاران عزیز
 تشکیل و پس از خاتمه کنفرانسیها همه شادان و خرم میسند
 و موفق با وطن خویش مراجعت نموده و مشغول انجام -
 وظائف محوله و خدمات معینه گردیدند و عنقریب آثار این
 جهاد کبیر اکبر در عالم نمودار خواهد شد و چنان عظمی
 خواهد یافت که جمالیان را متعجب و عالمیان را متحیر
 خواهد نمود و خوشبختانه نفوسیکه با همه انقطاع در پیوسته
 شهادت و شجاعت در دست و موزه استقامت پیا کرده و سا
 شمشیر بیان و نشان در میدان جهان پیمارزه برداخته
 و در سلك مهاجرین در آیند و سبب ترضیه خدا طومولای
 حنون حضرت غصن ممتاز گردند و براسستی خوشبختان
 نفوسیکه قدم در این راه گذارند و زندگانی زود گذر
 چند روزه خود را وقف نصرت این امر عظیم و علائکه الله
 نمایند این معنی را میتوان از این بیان مبارک حضرت
 ولی امرالله دریافت که بیفرمایند قوله عزبیا نه (فرخنده
 نفسی که در این روز فیروز و مصرجهان افروز ساعات و
 دقایق حیات گرانیهای خویش را صرف اعزاز و اشتیاق و
 استخلاص و نصرت و استقلال این آئین اعظم الاهی بفرمود
 و خجسته قلبی که بجز بسط دعوتش در این جهان تنگ و
 تاریک تمنی و آرزوی نکرد) از این بیان مبارک و هزاران
 امثال آن میتوان باین موضع مهم و حیاتی پی برد زیرا تمام
 زحمات و مشقات و جانفشانی های قدمای امر و شهدای
 اولیه و حبس و نفی حضرت عبدالبها و سرگونی حضرت بها الله
 و مشنگ شدن سینه مظهر حضرت اعلی نتیجه آن امروز -

آهنگ بدیع و خوانندگان

با این شماره سال نهم آهنگ بدیع آغاز میگردد از این لحاظ لازم است که نکاتی چند با اطلاع خوانندگان عزیز برسد (به طوریکه خوانندگان عزیز اطلاع دارند امور آهنگ بدیع در گذشته بوسیله د هیئت منتخب بنام (هیئت تحریریه و هیئت اداری "آهنگ بدیع" اداره میشد که هر کدام سه ترتیب مسئول امور تحریری و اداری این نشریه بودند . در سال تشکیلاتی جاری که موافق با نهمین سال انتشار آهنگ بدیع است برای اینکه همکاری بیشتر و نزدیکتری بین این دو هیئت برای تهیه مطالب و تکثیر و توزیع و انتشار این نشریه بعمل آید تصمیم گرفته شد که دو هیئت فوق الذکر بیک هیئت واحد تبدیل شود بنابراین هیئت جدیدی بنام "کمیسیون آهنگ بدیع" از طرف جنبه جوانان بهائی طهران انتخاب گردید این کمیسیون دارای نظامنامه ایست که وظایف آن جامع کلیه وظایف و اختیارات دو هیئت سابق میباشد و اکنون کمیسیون جدید آهنگ بدیع امیدوار است از این پس با همکاری و اشتراک مساعی نزدیکتر و بیشتری که در امور مربوط به تهیه مطالب

عکسها و تکثیر و انتشار و توزیع و اشتراک آهنگ بدیع مبذول میگردد این نشریه مرتبتر و زیباتر و جامع تر بدست خوانندگان عزیز ماد رکلیه نقاط کشور مقدس ایران برسد . ۲- کمیسیون جدید آهنگ بدیع برای اینکه بتواند این نشریه را مرتباً منتشر نماید در وقت کافی برای تهیه مطالب و عکسها و تکثیر و توزیع آن در اختیار داشته باشد تصمیم گرفته است از این پس بجای همراه بیانی همراه شمسی یک شماره منتشر نماید ولی در عوض حجم مطالب و مجموع صفحات نسبت بسالهای قبل چند ان فرقی نکرده است بدین معنی که از سال جدید هر شماره بجای بیست صفحه سابق لا اقل در ۲۴ صفحه منتشر خواهد شد ضمناً نیز تصمیم داریم چنانچه بعون الله امکانات مادی و معنوی بحال اجازه دهد در آینده بر تعداد صفحات آهنگ بدیع نیز بیفزائیم .

برای اینکه کلیه احباب مخصوصاً جوانان در همه جا بتوانند آهنگ بدیع را مشترک شوند از این پس وجه اشتراک برای کلیه نقاط (طهران و ولایات) سالیانہ / ۲۰

واضح و مشهود و اگر اندک قهقهه رفتوری شود ذنب لا یغفر را مر تکب شده ایم که بهیچوجه قابل بخشش و عفو نبوده و نخواهد بود پس بیائید همه یک دل و یک زبان دست بدست بیکدیگر داده و موانع را از جلویای خود برداشته قدم در میدان مهاجرت گذاریم و از یاران غرب که در این میدان دلیرانه و شجاعانه مبارزه میکنند عقب نمانیم و قبل از آنکه وقت بگذرد و این فرصت از کف بدر رود اقدامی عاجلانه بنمائیم هوی و هوس و زور و زور این دنیا را از ما را اغفال نکند همه تجملات و قیودات زندگی را بیکسو گذاریم و باعزمی راسخ و جزمی ثابت بدون اندک تامل و دقیقیه ای تاخیر بدوستان عزیزمان که در سنگرها منتظر رسیدن کمک هستند پیوندیم و نگذاریم

خدا ای نکره پس از زحمات طاقت فرسا سنگری را از دست بد هیسم زیرا برای فتح سنگرهای قلوب اندکی گذشت لازم است تا آن گذشت و فدکاری را در وجود خود به عرصه شهود نیاریم دنیا را آبنده خود را تامین نکرده دست تهی باحالی مایوس و پریشان از این جهان فانی بداریاقتی با حسرت و آه خواهیم شتافت آنوقت است که پشیمانی سودی نخواهد داشت (ای بنده من از بند ملک خود رارهایی بخش و از حبس نفس خود را آزاد کن وقت را غنیمت شمر زیرا که این وقت را دیگر نه بینی و این زمان را هرگز نیابی)

پایان

و تک شماره ۱۰ ریال خواهد بود .

۳- در مقابل این تنزل وجه اشتراك آهنگ بدیع از مشترکین محترم تنها در اولاد برود اخت وجوه اشتراك خود کوچکترین تاخیر و تسامحی رواند ارند و در اولیسن فرصت آنرا ببرد ازند که موجب کمال امتنان این کمیون خواهد بود . ثانیا بطور یکسه در فوق تذکر داده شد چون منظور کلیسی و اساسی از تنزل وجه اشتراك آهنگ بدیع این بوده است که کلیسه جوانان واجبا ی عزیز بتوانند آنرا مشترک شوند از این لحاظ از کلیسه دوستان عزیز خواهشمندیم هرگاه مشترک نیستند آهنگ بدیع را مشترک شوند و هرگاه مشترک هستند سایسیر دوستان را با اشتراك آن تشویق کنند لازم بتذکر نیست که برای هرکس با هر درآمد پرداخت ماهیانه ده ریال مقدور خواهد بود .

۴- همانطوری که آهنگ بدیع از خوانندگان دوستان عزیز خود تمنای کمک مادی از راه اشتراك دارد همانطور هم منتظر کمک های قلمی و معنوی دانشمندان شعرا نویسندگان بهائی میباشد و امیدوار است این تقاضا نیز مورد قبول واقع گردد و دوستان عزیز پیش از پیش آثار قلمی و فکری خود را جهت ما ارسال دارند .

۵- بطوریکه در سال هشتم نیز چند مرتبسه متذکر شد بیسم آهنگ بدیع برای اینکسه اشکالات دوستان عزیز را حاصل نمایسد

حاضر است که بکلیه سوالات علمی - ادبی - تاریخی - اجتماعی - بهداشتی - روانشناسی (امری و غیر امری) جواب دهد البته این جوابها با مراجعه به فضلا و دانشمندان و مراجع و مأخذ معتبر تهیه و در ستون (سئوالات و - خوانندگان) برای استفاده شخص سئوال کننده خصوصا و خوانندگان عموما درج خواهد شد .

۶- مؤده دیگری که آهنگ بدیع بخوانندگان خود در سال جدید میدهد اینست که در آینده نزدیک مواضیح علمی - ادبی - اجتماعی تاریخی (امری و غیر امری) بصورت نظم و نثر در آهنگ بدیع بمسابقه گذاشته خواهد شد و به برندگان این مسابقات جوایز نفیس اهدا خواهد گردید . جزئیات و شرایط این مسابقات در شماره های آینده با اطلاع خوانندگان عزیز خواهد رسید .

۷- بطوریکه در سالهای گذشته متذکر شد به همکسانی که برای آهنگ بدیع مقاله یا شعری یا مطلبی ارسال میدارند و امیل نیستند که نام یا تلخیص اثر ایشان در صفحه (آهنگ بدیع و خوانندگان) ذکر شود این نکته را عزیزان قید فرمایند والا آهنگ بدیع خود را در تلخیص آثار و ذکر آن در صفحه آهنگ بدیع و خوانندگان مجاز خواهد بود دانست .

پایان

کمیون محترم آهنگ، بدیع دامت افاضاتهم

محترماً مستدعی است مقرر فرمائید شرح ذیل در اولین شماره آن مجله گرامی درج گردد:

چون در مقاله "دقائق فنی بنای مقام مقدس اعلیٰ" تمام طبقه اول بتاج اول بنا و تمام طبقه ثانی بتاج دوم بنا و تمام طبقه ثالث بتاج سوم بنا تعبیر گردیده است عطف بتذکر ایادی محترم امرا لله جناب جلال خاضع و با مراجعه بتواقیع منیعه مبارکه تعبیر تاج فقط براس و قسمت فوقانی هر طبقه اطلاق گردیده است نه بتمام آن طبقه بدین معنی که تاجی و کتیبه‌های فوق رواق که شامل قطعه اسم اعظم در صدر و زوایای اربعه است بمنزله تاج اول و مناره‌های ۸ گانه فوق طبقه ۸ ضلعی بمنزله تاج ثانی و قبه ذبیه فوق نوافذ ۱۸ گانه بمنزله تاج ثالث بنا است.

باتقدیم ادعیه قلبیه - مهندس کیومرث ایزدی

بقیه از صفحه ۷۰ (اهمیت تشویق)

سو، نبرد از بیم بلکه در هر محلی او را مورد لطف و مرحمت قرار دهیم و وسیله شویم که سایرین نیز بر اثر اقدام او مشی نمایند تا روز بروز بر تعداد افراد وارسته و خدمت افزوده شود. بنابراین افراد باید این رومه مرضیه را پیش گیرند و خود را برای تشویق و ستان آماده و مهیا کنند تا از زمین و حرکت این نحو اقدام موفقیت‌های بیشتری نصیب جامعه و جوانان که چون نهالی احتیاج به آبیاری دارند روز بروز بر طراوت و لطافتشان بیفزاید و شجر بارور شوند.

پسایان



